

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

تی بی میسان  
فرستنده: عثمان حیدری  
۲۳ سپتمبر ۲۰۱۷

## پس از خلافت اکنون نوبت روژاوا است

در زمانی که ارتش عربی سوریه، نیروی هوایی روسیه و حزب الله سرگرم نابودی داعش اند، پنتاگون نقشه جدید جنگ علیه سوریه را طراحی می‌کند. این بار به کمک نیروهای گُرد. همان‌طور که در قبل وظیفه خلافت بود که یک «سنی‌ستان» در دو طرف مرز عراق و سوریه ایجاد کند، اکنون جنگ «روژاوا» باید کردستانی در دو سوی مرز دو کشور ایجاد نماید، طرحی که پنتاگون از ۴ سال پیش آن را دنبال می‌کند.

این نقشه ۹ ماه قبل از حمله داعش در عراق و سوریه توسط خانم «رابین رایت» انتشار یافت. بنا بر اظهارات این محقق پنتاگون، وی نقشه‌ای را که «رالف پیترز» در سال ۲۰۰۵ برای تغییر و تحول خاورمیانه منتشر کرده بود، تصحیح کرده است.

طبق سیاست ستراتیژیک بزرگ ایالات متحده که توسط آدمیرال «سیروسکی» در سال ۲۰۰۱ فرموله شد و در سال ۲۰۰۴ توسط معاون وی «توماس بارنت» انتشار یافت، باید خاورمیانه بزرگ به استثنای اسرائیل، اردن و لبنان کاملاً ویران گردد.

از این رو پیروزی در پیش علیه داعش تغییری در نیات ایالات متحده به وجود نخواهد آورد. رئیس‌جمهور ترمپ با استفاده مودبانه از جهادگرایان مخالفت کرد. او حمایت‌های مالی و نظامی کشورش را در مقابل آن‌ها قطع نمود. او توانست عربستان سعودی و پاکستان را قانع کند که از سیاست او پیروی کنند. او سیاست ناتو در این بخش را تغییر داد. ولی کسی نمی‌داند که آیا او در مقابل سیاست ستراتیژیک بزرگ پنتاگون نیز خواهد ایستاد یا نه. در داخل کشور تمامی کنگره مخالف اوست و اگر بخواهد از استیضاح و برکناری از قدرت فرار کند، چاره دیگری جز تعامل با حزب دمکرات ندارد.

دونالد ترمپ دولت خود را با کارمندان سابق دولت او باما تشکیل داد، با سیاستمداران اپورتونیست، بسیاری که از روی ناچاری انتخاب شدند و با تعداد بسیار قلیلی از افراد معتمد.

نماینده ویژه او در امور داعش، «برت مک‌گورک» یکی از همکاران سابق او باما است که اکنون باید در خدمت سیاست نوین باشد. او روز ۱۸ اگست ملاقاتی با رؤسای قبایل ترتیب داد تا «علیه داعش مبارزه کند.» ولی تصاویری که او در

این رابطه منتشر کرد نشان می‌دهد که خلاف وظیفه محوله، او از چندین رهبر داعش برای شرکت در این ملاقات دعوت کرده بود.

به شیوه مشابهی هلیکوپترهای نیروی ویژه ارتش آمریکا دو رئیس اروپائی داعش و خانواده‌های آنان را در نزدیکی دیرالزور قبل از این‌که روز ۲۶ اگست توسط ارتش عربی سوریه دستگیر شوند، فراری دادند و همین‌طور دو روز بعد ۲۰ افسر دیگر داعش را از منطقه خارج کردند.

همه این‌کارها طوری صورت می‌گیرد که گویا پنتاگون منابع جهادی خویش را بیرون می‌کشد، در حالی که برای عملیات در مکان‌های دیگری آن‌ها را آماده نگاه می‌دارد. هم‌زمان با آن، دور جدیدی با ارتش جدیدی علیه سوریه، آغاز می‌گردد که این بار حول محور نیروهای کرد قرار گرفته است.

اطلاعات در مورد این جنگ و همین‌طور در مورد خلافت چهار سال پیش توسط خانم «روبین رایت» که محققی در انستیتوی امریکائی صلح (هم‌سنگ NED برای پنتاگون) است در نیویورکتایمز انتشار یافت. او همین‌طور پیش‌بینی می‌کرد که یمن به دو کشور تقسیم شود، همچنان‌که امروز می‌تواند ریاض و ابوظبی از هم جدا شوند و نهایتاً عربستان سعودی تکه‌تکه شود.

علاوه بر آن، پروژه «رژاوا» مطابق با سیاست ستراتیژیک اسرائیل است که از پایان دهه ۱۹۹۰ بر پایه رشد فن‌آوری راکتی دیگر نیازی به کنترل مناطق مرزی (شبه‌جزیره سینا، بلندی‌های جولان و یا جنوب لبنان) نمی‌بیند، بلکه هدفش کسب قابلیت حمله به دشمنان از پشت است (از این رو ایجاد سودان جنوبی و احتمالاً کردستان بزرگ).

سربازگیری در اروپا برای «رژاوا» تازه آغاز شده. پیشاپیش، آن‌ها امکان گرد هم آوردن تقریباً همان تعداد جنگجو را که برای جهاد بسیج کردند، دارند، زیرا گروه‌های آنارشیستی که زمینه مناسبی برای رشد آن‌ها فراهم است، در اروپا مانند مجرمین زندانی زیاد است.

در واقع پیوستن به جهاد قبل از این‌که به «جنگ صلیبی» تبدیل شود، اول از زندان‌های فرانسه آغاز شد. محتمل است که سربازگیری در بین جنبش آنارشیستی بعداً آغاز و گسترده‌تر شود. واشنگتن، لندن، پاریس و برلین که این سربازگیری را سازماندهی کرده اند، دوراندیشی می‌کنند.

من مخصوصاً لغت «جنگ صلیبی» را انتخاب می‌کنم، زیرا این جنگ‌های قرون وسطائی با جنگ‌هایی که ما اکنون شاهد آنیم، عملیات امپریالیستی اروپائی علیه مردم خاورمیانه بزرگ بوده است. و به همین صورت بود اگر ادعا شود که رابطه‌ای بین پیام عیسا مسیح و جنگ‌های صلیبی وجود دارد، همان‌طور عجیب خواهد بود که بخواهیم از رابطه بین پیامبر و جهادگرایی سخن بگوئیم. در هر دو مورد سرخ‌ها در دست نیروهای «غربی» است و این درگیری‌ها تنها در خدمت امپریالیسم غرب است. جنگ‌های صلیبی دو قرن ادامه یافت و اکثریت مردم مسیحی در شام در کنار هموطنان مسلمان خود علیه متجاوزان جنگیدند.

وزیر امور خارجه فرانسه لورن فابیوس روزی علناً گفت: «رئیس‌جمهور اسد حق وجود در کره زمین را ندارد.» و اطمینان خاطر داد که جهادگرایان «کار خود را خوب انجام می‌دهند.» بسیاری از جوانان بعد از فراخوان او به جبهه النصره (القاعده) و داعش پیوستند. امروز «برنار کوشنر» وزیر امور خارجه سابق فرانسه علناً اعلام می‌کند که فرانسه از تأسیس کشوری که کردهای عراق را با منطقه‌ای که از درون سوریه تا دریای مدیترانه ادامه دارد مربوط کند، حمایت می‌کند. برخی از جوانان اروپائی هم‌اکنون به این فراخوان واکنش نشان داده و تعداد زیاد دیگری نیز در آینده واکنش نشان خواهند داد.

امروز رسانه‌های غربی مانند سال‌های ۲۰۱۱/۲۰۱۲ به نفع ارتش جدید ضدسوری که از طرف دولت‌های آنان حمایت می‌شود، موضع‌گیری می‌کنند. آن‌ها هرگز چرخش عبدالله اوجلان را که از مارکسیسم-لنینیسم به آنارشیسم گرویده زیر سؤال قرار نخواستند داد. آن‌ها تکرار خواهند کرد که کردستان در کنفرانس «سور» در سال ۱۹۲۰ به رسمیت شناخته شده ولی نشان نخواهند داد که مرزهای آن کدام بوده است. آن‌ها تأسیس یک کردستان در عراق و سوریه را مشروع اعلام خواهند کرد، با این‌که در اصل کردستان در ترکیه امروزی قرار گرفته است. آن‌ها این واقعیت را نادیده خواهند گرفت که این پروژه در اصل نقشه پنتاگون است.

رفرانوم روز ۲۵ سپتامبر برای استقلال منطقه کردستان عراق به انضمام مناطقی که به کمک داعش غصب شده، آغاز شروع این عملیات است. مانند سال ۲۰۱۴ مسأله این خواهد بود که عراق و سوریه به اتفاق نابود گردند، نه از طریق تأسیس «سنی‌ستان» از رقه تا موصل، بلکه به کمک تأسیس «کردستان»، در منطقه‌ای که اربیل و کرکوک را به دریای مدیترانه وصل خواهد کرد.

**منبع: ولترنت**